

کتزالعمال

حدیث روز:
 پیامبر اسلام (ص)؛
 از نفرین مظلوم بهره‌یز برای به دعا، حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حق را از حق‌دار دریغ نمی‌دارد.

واحه:
 چون حل نمی‌شود به سخن مشکلات عشق در حیرتم که؛ فایده قیل و قال چیست؟

اوقات شرعی:
 اذان ظهر: ۱۷/۵۵
 اذان مغرب: ۱۷/۱۱
 اذان صبح (فردا): ۵/۳۱
 غروب آفتاب: ۱۶/۵۱
 نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۱
 طلوع خورشید(فردا): ۷/۰۱

وضعیت آب و هوای امروز

تهران ۱۴ / ۵

اهواز ۲۵ / ۱۱

اردبیل ۱۴ / -۴

زاهدان ۲۱ / ۱

زنجان ۸ / -۴

ساری ۱۷ / ۵

شهرکرد ۱۱ / -۴

یاسوج ۱۵ / ۰

شماره: ۳۶۳۷۰-۱۵۵۱۷۳۵۰۰
 پایگاه اطلاع رسانی:
 www.jamejamonline.ir
 www.jamejamdaily.ir
 پست الکترونیکی:
 info@jamejamOnline.ir

دوشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۰ | ۱ جمادی‌الاولی ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ودوم - شماره ۶۰۹۷ | Monday - December 6 , 2021

گفت‌وگو با حسین فردرو در سالروز درگذشت زنده‌یاد منوچهر نوذری

نوذری، صدای مردم بود

«مرحوم نوذری به معنای واقعی کلمه هنرمند بود. سال‌ها در تئاتر، سینما، تلویزیون و رادیو فعال بود و در همه این حوزه‌ها درخشید؛ چه آن زمان که به عنوان بازیگر در کاری حضور پیدا می‌کرد و چه آن زمان که از صدایش استفاده کرده و نقش‌آفرینی می‌کرد. این روزها اما به مدد شبکه‌های اجتماعی و نوستالژی‌بازی که در آنها رواج دارد، بخش‌هایی از برنامه مسابقه هفته بیشتر از کارهای دیگر او دست به دست می‌چرخد و همه از خلایق او در اجرای این مسابقه می‌گویند که بخش آن هفت سال طول کشید و رکورددار طولانی‌ترین برنامه تلویزیونی ایرانی شد. حسین فردو، کارگردان تلویزیون که به گفته خودش بیشتر از ۵۰ سال است با این رسانه همکاری دارد، با نوذری بسیار کار کرده و سال‌ها با هم رفاقت داشته‌اند. در شانزدهمین سالگرد درگذشت نوذری با او هم‌صحبت شدم تا درباره دوست قدیمی‌اش برایمان بگویند.

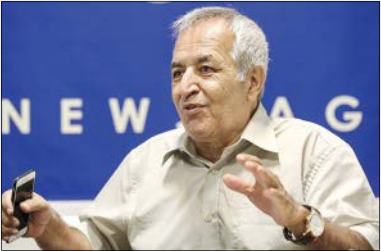
طاهره آشنایی

روزنامه‌نگار

صریح بود و طناز

اوایل دهه ۶۰ برنامه هزار برگ هزار رنگ را برای کودکان کارگردانی می‌کردم که عصر جمعه بخش می‌شد. برنامه آیتم‌محور بود و بخشی داشت به نام برگ سیاه تاریخ که در آن با شخصیت‌های منفی تاریخ گفت‌وگو می‌کردیم. به خانم مهناز میرجه‌انگیری که تهیه‌کننده برنامه بود پیشنهاد دادم که آقای نوذری این بخش را اجرا کند. گفتند

ایشان ممنوع‌الکار است. اول باید این ممنوعیت از او برداشته شود. رقتیم و با آقای علایی صحبت کردیم و ایشان با مدیران بالادستی. خلاصه ممنوعیت کاری آقای نوذری رفع شد و بعد از انقلاب با همین برنامه به تلویزیون برگشت. مسابقه نامه‌ها و نشانه‌ها را کارگردانی می‌کردم و فیلم مدیسسه را که خبر دادند قرار است مسابقه هفته را ضبط کنند و اجرایش را بدهند به آقای نوذری. من کارم زیاد بود و نتوانستم با مسابقه هفته همکاری کنم اما از همان قسمت اول که بخش شد مطمئن بودم یکی از برنامه‌های پربیننده خواهد شد. آقای نوذری اطلاعات عمومی‌اش زیاد بود، تجربه کاری زیادی داشت که اینها به اجرایش کمک می‌کرد اما یک برگ برنده دیگر هم داشت و آن رک‌بودنش بود. با کسی تعارف نداشت و الکی از یکی تعریف نمی‌کرد. این صراحت، توام با شوخی در اجرای مسابقه هفته این برنامه را موفق کرد. سال‌ها بعد مسابقه ستاره‌ها را با اجرای ایرج نوذری، پسر منوچهر کارگردانی کردم. گاهی آقای نوذری به پشت صحنه می‌آمد تا کار پرسش را از نزدیک ببیند. علاقه این دو نفر به هم ویژه بود. ایرج به پدرش احترام زیادی می‌گذاشت و گاهی حتی دست او را می‌بوسید. جا داشت از رابطه صمیمی و توام با احترام آنها به یکدیگر حتی فیلم ساخت و پخش کرد تا الگویی شود برای مردم. یک قسمت از مسابقه ستاره‌ها را با حضور منوچهر نوذری به عنوان شرکت‌کننده ضبط کردیم که به نظر عالی از کار درآمد. زنده‌یاد نوذری هنرمند مردم‌داری بود. بسیار به مردم احترام می‌گذاشت. آن نسل فرق داشتند با سلبریتی‌های امروزی که کارهایی می‌کنند که نه‌تنها مردم دوستان ندارند که گاهی از آنها متفر هم می‌شوند. هنرمندانی مانند آقای نوذری ظاهر و باطن‌شان یکی بود. مقابل دوربین حرفی نمی‌زدند و در زندگی شخصی جور دیگری رفتار نمی‌کردند. ریاکار نبودند. برای همین مردم حرفشان را باور می‌کردند و با آنها همراه می‌شدند. الان گوشی‌های هوشمند، هر فردی را به یک رسانه تبدیل کرده است. دیگر هنرمندان نمی‌توانند زندگی مخفی و پنهانی داشته باشند و بیایند در رادیو و تلویزیون مردم را نصیحت کنند اما خودشان خلاف آن را بروز دهند. مردم می‌بینند و آن را ثبت می‌کنند و نشر می‌دهند. دوره آقای نوذری وسایل ارتباط جمعی مثل الان نبود اما هنرمندان هم اصولی داشتند که از آن کوتاه نمی‌آمدند برای همین برنامه‌ای مانند صبح جمعه با شما سال‌های زیادی است که بخش می‌شود و هنوز هم شنونده دارد. اگر افرادی مانند زنده‌یاد نوذری یا آقای جاویدنیا ادا درمی‌آوردند و ظاهر و باطنشان یکی نبود این برنامه این همه سال دوام نمی‌آورد. هنرمندی مانند آقای نوذری صدای مردم بود و حرف آنها را می‌زد و خودش را تافته جداافتاده از خلق نمی‌دانست. برای همین، هم در زمان حیاتش و هم الان که ۱۶ سال است فوت شده بین مردم محبوبیت دارد و با احترام از او یاد می‌شود. نام آقای نوذری در تاریخ هنر ایران ثبت شده چون همیشه آنچه به آن اعتقاد داشت را بیان می‌کرد، ریاکار نبود و برای پول بیشتر به هر دری نمی‌زد. سال‌های آخر دچار تنگنای مالی شد. از نامش سوءاستفاده کردند و مدتی در زندان بود اما هرگز شرافت و انسانیتش را خرج پول و مال دنیا نکرد و همیشه جانب مردم بود.



■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

امروز در تاریخ:

ثبت باغ‌فین، مناره کبیر، آرامگاه سیدرکن‌الدین، مناره چهل‌ختران، امام‌زاده حبیب‌ن مومسی به‌عنوان آثار ملی(۱۳۱۶ش) انتخاب مهندس مهدی بازگان به ریاست دانشکده فنی(۱۳۲۹ش) افتتاح کارخانه کاغذسازی پارس در هفت‌تپه(۱۳۴۹ش) درگذشت دکتر عیسی صدیق، مؤسس دانشگاه تهران(۱۳۵۷ش) شهادت سرتپین خلیان احمد کشوری(۱۳۵۹ش)/روز هوانیروز در ایران

حکمت ۱۱۹:

«دنیا همانند مار است. چون بر آن دست کشند، نرم آید ولی در درون آن زهر کشنده است. مردم فریب خورده و نادان بدان میل کنند و خردمند عاقل از آن دوری جوید.



قصه و غصه کارمند دبیرخانه

در یکی از ادارات مرکزی شهر بوداپست، دو کارمند دبیرخانه در دو میز روبه‌روی هم مشغول کار بودند. کارمند اول شخصی مقتصد بود که حقوق ماهانه خود را با محاسبه خرج می‌کرد و هرماه مقداری پس‌انداز می‌نمود و کارمند دوم شخصی خوشگذران بود که حقوق خود را در دو هفته اول ماه به اتمام می‌رساند و نه‌تنها پس‌اندازی نداشت، بلکه در نیمه دوم ماه نیز با فلاکت به زندگی می‌پرداخت و نان خالی می‌خورد و پیاده به سرکار می‌آمد. روزی از روزهای آخر ماه، کارمند اول پس از پایان ساعت اداری هنگامی‌که با اتوبمیل در حال بازگشت به منزل بود، کارمند دوم را دید که به‌طور پیاده به سمت منزل خود در حرکت بود. پس در کنار پیاده‌رو توقف کرد و به‌وسیله بوق کارمند اول را صدا زد و از او دعوت کرد او را به منزلش برساند. کارمند دوم ابتدا قبول نکرد اما وقتی اصرار کارمند اول را دید، سوار اتوبمیل شد. کارمند اول رو به کارمند دوم کرد و گفت: راستش مدت زیادی است که می‌خواهم این سؤال را از تو بپرسم اما همیشه می‌ترسم ناراحت شوی. کارمند دوم گفت: کدام سؤال؟ کارمند اول گفت: نمی‌خواهی در زندگی‌ات تغییری بدهی تا از این وضع خلاص شوی؟ کارمند دوم با تعجب پرسید: کدام وضع؟ کارمند اول گفت: همین‌که نصف ماه را مانند پادشاهان و خرمایه‌داران و تهیه‌کنندگان و سلبریتی‌های اندکی می‌کنی و نصف ماه را مانند گدایان و بی‌کاران و اهل‌قلم؟ کارمند دوم نگاهی به کارمند اول کرد و گفت: تابه‌حال سیگار برگ کشیده‌ای؟ کارمند اول گفت: نه؟ کارمند دوم گفت: تابه‌حال در رستوران گردان برج بوداپست شام خورده‌ای؟ کارمند اول گفت: نه. کارمند دوم گفت: کت هاگوکیپیان و کفش و رساچه پوشیده‌ای؟ اوکلن اوتنوس شوی؟ کارمند اول گفت: نه. ۲۰ هزار تومانی خریده‌ای؟ کارمند اول گفت: نه. کارمند دوم گفت: اساسا تابه‌حال کیف زندگی را کرده‌ای؟ کارمند اول گفت: بلی، نه، نمی‌دانم. کارمند دوم نگاه تحقیرآمیزی به کارمند اول کرد و گفت: می‌دانی تا چندسالگی زنده‌ای؟ کارمند اول گفت: نه. کارمند دوم گفت: پس بی‌زحمت همین سر چهارراه مرا بغل کن. کارمند اول پس از عبور از چهارراه کارمند دوم را بغل کرد. کارمند دوم نیز همان بغل پیاده شد و بقیه راه را به‌صورت پیاده طی کرد و تا پایان راه به‌خاطر این‌که کارمند اول از سیگار برگ و کفش و رساچه و آدامس ۲۰هزار تومنی خبر نداشت به حال او غصه خورد.

بازنشر بخش‌هایی از گفت‌وگوی جام جم

با زنده‌یاد نوذری در سال ۸۱

هنرمند واقعی که نباید برای مردم قیافه بگیرد، مردم خرج ما را می‌دهند و اگر حمایت آنها نباشد، ما با کاسبان دوره‌گرد هیچ فرقی نداریم؛ بنابراین باید به مردم و محبت آنها احترام گذاشت. در برنامه‌های طنزی چون صبح جمعه با شما باید با مردم زندگی کرد، به آنها احترام گذاشت و حرف آنها را زد. در این برنامه من و آقای شیشه‌گران و دیگر نویسندگان برنامه، نامه‌های مردم را که به برنامه می‌رسید، با دقت می‌خواندیم و از آنها سوژه درست می‌کردیم. وقتی درددل و گرفتاری مردم به نمایش درمی‌آمد، مسلما به دل آنها می‌نخست. به این نکته توجه داشته باشیم که طنز باید مانند کاریکاتور عمل کرده و یک قسمت را بزرگنمایی کند. طنز با لوس‌بازی و شک‌کردن آوردن فرق می‌کند. در حوزه دوبله تقریباً به جای تمام آدم‌ها حرف زده‌ام. زمانی که شروع کردیم ۱۰ تا ۱۲ نفر بیشتر نبودیم که اکثر فیلم‌ها را دوبله می‌کردیم. در خیلی از کارها مدیر دوبلاژ بودم و در بیشتر فیلم‌های کمدی صحبت می‌کردم. من سال‌ها به جای جک لمون حرف زدم. او دو بار اسکار گرفته است و در کل جهان او را می‌شناسند. در فیلم سرگیجه به جای جیمز استوارت صحبت کردم. اینها بازیگران بزرگی هستند که باید زمان دوبله به آنها خیلی دقت شود. ما تلاش می‌کردیم شخصیت آنها را خراب نکنیم. دوبله فیلم‌های کمدی سخت‌تر است؛ چون باید برای استعاره‌ها و ضرب‌المثل‌ها جایگزین مناسبی پیدا کرد. آنها ممکن است برای آن طرفی‌ها و سازندگان فیلم خنده‌دار باشند، چون ریشه در فرهنگ آنها دارند؛ بنابراین ما در دوبله باید برای سخنان آنها مترادف‌هایی پیدا کنیم که ریشه در فرهنگ خودمان داشته باشد. هر چه دقت و ظرافت در ترجمه و دوبله درست‌تر باشد، کار بهتر و دلنشین‌تر می‌شود. قدیم‌ها می‌گفتند فیلم را در دوبله نجات دادند؛ این نجات‌دادن یعنی این که در ترجمه و سپس در دوبله روان ارائه می‌گردید و در مواقعی دیالوگ اصلی کاملاً عوض می‌شد. این که ما تا چه اندازه می‌توانیم در دوبله دیالوگ‌ها را تغییر دهیم تا جایی که به داستان لطمه وارد نشود. در کشور ما چند نوع سانسور وجود دارد؛ مثلاً در فیلم زن شوهردار نباید خیانت کند؛ هرچند در داستان باشد بنابراین در دوبله باید اسامی و نسبت‌های اشخاص عوض شود. در زمان شاه اگر فیلم لویی شانزدهم می‌آمد، اگر به لویی توهین می‌شد باید سانسور می‌شد؛ چون لویی با شاه فرقی نداشت و نباید به هیچ کدام توهین می‌شد اما گاهی اتفاق می‌افتاد که در دوبله خط داستان کاملاً عوض می‌شد؛ مثلاً سریال اوشین از اسم آن گرفته تا کل داستان عوض شد.

به سوی دمشق به روایت حمید سمندریان

تدوین تئاتر تلویزیونی «به‌سوی دمشق» در مراحل پایانی است. این تله‌تئاتر در ۹ قسمت توسط حمید سمندریان کارگردانی شده است. به سوی دمشق زندگی فردی را به تصویر می‌کشد که در پی یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های خود است به همین دلیل سفری را آغاز می‌کند و پس از حضور در جاهای مختلف مانند کوهستان، کلیسا و صومعه و رودرو شدن با آدم‌های گوناگون عاقبت به رستگاری می‌رسد. (صفحه ۳)

وزیر دفاع آمریکا: طالبان را بکشید

البور آگوست، خبرنگار مجله تایمز در مزارشریف گفت: جانی اسپان و یکی دیگر از ماموران سازمان سیا با خشونت‌های خود در جریان بازجویی‌ها، عامل اصلی شورش مزارشریف بوده‌اند. چند روز پیش سیا رسماً تایید کرد که یکی از افسران این سازمان به‌نام جانی اسپان در جریان شورش اسرای طالبان در قلعه‌جنگی واقع در حوالی مزارشریف به قتل رسیده در حالی که سیا و سایر دستگاه‌های دولتی در آمریکا از افسر یادشده به‌عنوان قهرمان جنگی یادکرده و همواره او را تحسین می‌کنند شاهدان عینی تصویری کاملاً متفاوت و بسیار خشن از او ارائه می‌دهند. داندل رامسفلد، وزیردفاع آمریکا فرمان‌داده که نیروهای طالبان که زنده به‌دست آمریکایی‌ها می‌افتند باید کشته شوند. همچنین کالین پاول، وزیرخارجه آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی در آنکارا اعلام کرد: آمریکا قصد ندارد پس از پایان جنگ در افغانستان به هیچ کشوری به‌خصوص عراق حمله کند.(صفحات یک و دو)

نظر وزیرراه درباره آزادراه شمال

مهندس خرم، وزیرراه گفت: آزادراه تهران-شمال از ابتدا یک طرح غیرواقعی بود و نباید احساس می‌کرد که سرمایه‌گذاری انجام‌شده قابل برگشت است اما مجموعه عوامل باعث‌شده ساخت این آزادراه پیشرفت نکند. درباره محیط‌زیست باید مطالعات و هماهنگی‌های لازم صورت می‌گرفت و بعد طرح شروع می‌شد زیرا حفظ محیط‌زیست قطعی و واجب است. در شورای عالی محیط‌زیست نیز تصمیم گرفته شد پیمانکاران جاده‌سبز تحویل دهند.(صفحه۴)

آکسفورد؛ قرآن صفارزاده را منتشر می‌کند

انتشارات آکسفورد قرآن با ترجمه طاهره صفارزاده به زبان انگلیسی را منتشر می‌کند. محمدتقی حق‌بین، عضو ستاد اجرایی نهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم با اعلام این مطلب به خبرنگار جام‌جم گفت: قرآنی که از سوی خانم صفارزاده به فارسی ترجمه‌شده در کمتر از دو ماه به چاپ دوم رسیده و اکنون مراحل پایانی برای انتشار چاپ‌سوم را سپری می‌کند.(صفحه۱۶)

